امام سجاد علیه السلام

و عبادت

حسین باقر

بسم الله الرحمن الرحیم

امام سجاد علیه السلام و عبادت

نویسنده:

حسین باقر

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

امام سجاد علیه السلام و عبادت ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

امام سجاد و عبادت (۱) ----- ۶

اشاره ----- ۶

بررسی حالت تعبد همگام با مظاهر انسانی دیگر ----- ۹

بررسی حالت تعبد از رهگذر توجه به اوضاع و احوال زمان امام ----- ۱۰

بررسی پدیده تعبد، با توجه به نقش امام و عمل هر یک از ائمه در هر مرحله ----- ۱۱

عزلت امام و حالت تعبد ----- ۱۲

رهبری امام و حالت تعبد ----- ۱۵

امام سجاد و عبادت (۲) ----- ۱۹

اشاره ----- ۱۹

حکومت و تعبد امام ----- ۲۰

تفرقه و تلاش امت، و مسئله تعبد ----- ۲۲

تربیت و مظاهر تعبد ----- ۲۴

درباره مرکز ----- ۳۳

امام سجاد علیه السلام و عبادت

مشخصات کتاب

مؤلف: حسین باقر

مترجم: محمد مهدی رضایی

ناشر : حسین باقر

امام سجاد و عبادت (۱)

اشاره

در بررسی اساسی ترین مظاهر زندگی امام سجاد (ع) به مواردی چون: ترک دنیا، کثرت عبادت، زهد نسبت به مال دنیا و خوشی های آن خواهیم رسید. ما از این مظاهر به «تعبد» و روی گردانی از دنیا، تعبیر می کنیم. «تعبد» در حیات پر برکت امام (ع) به گونه ای است که محتاج دلیل و نص تاریخی نیست. همین کافی است که بدانیم آن حضرت را «زین العابدین» و «سجاد» لقب دادند. در نظر علمای غیر شیعی، امام سجاد (ع) عابدترین و زاهدترین فرد خود زمانه است که مانند خورشیدی بر تارک انسانیت می درخشد و تاریخ او را در اعلا مرتبه می ستاید. برای معرفی عبادت امام (ع) به صورت زنده و شناساندن کیفیت و مقدار آن و بررسی حالاتی مانند ترس از خدا، زهد و موعظه که از لوازم عبادت امام بشمار می آید، برخی از روایات را که متضمن این معنایند، یادآور می شویم: ۱) از یکی از کنیزان امام (ع)، درباره عبادت آن جناب، سؤال کردند، او گفت: «آیا مختصر بگویم یا تفصیل بدهم» گفتند: «مختصر بگو» گفت: «هرگاه برای ایشان غذا می بردم یا می رفتم که رختخواب شان را پهن کنم، در حال نماز و عبادت می دیدمشان. هر روز و شب هزار رکعت نماز می خواند. پیشانی حضرت از زیادی سجده پینه بسته بود و مانند پوست زانوی شتر شده بود». ۲) امام باقر «علیه السلام» عبادت پدر بزرگوارشان را چنین توصیف می کند: «پدرم شب ها آن قدر نماز می خواند که هنگام رفتن به رختخواب، از ناتوانی بر روی زمین خود را می کشاند». روایاتی هم کیفیت عبادت امام «علیه السلام» را شرح داده اند:

گفته انـد: امـام (ع) در حـال نمـاز،ماننـد چوب خشـکی بی حرکت می ایسـتاد، مگر این که باد لباس های ایشان را به حرکت درمی آورد. چون به نماز قامت می بست، رنگ چهره اش متغیر می شـد و در حال سـجده، آن قدر می ماند که عرق از سـر و روی مبارکش جاری می شـد. هنگام وضو گرفتن، از خوف خـدا، رنگش می پریـد و این چنین خود را برای دیـدار پروردگار آماده می ساخت. بعضـی از دوست داران امام، با دیدن آن همه عبادت و سخت گیری حضرت در تضرع و مناجات، خوف بر آنـان را برمی داشت و از امـام تقاضـا می کردنـد که از عبـادت خود کم کنـد و انـدکی مراعات حال خود را بنمایـد. دخترش فاطمه، روزی به صحابی جلیل القدر، جابر بن عبدالله انصاری، گفت که هر طور شده امام (ع) را قانع سازد از عبادتش بکاهد، تا خـدای ناکرده صـدمه ای به ایشان نرسـد و به مریضـی گرفتار نیایـد. زیرا او تنها فرزنـد به جا مانده حسـین (ع) و تنها حجت خدا، بر روی زمین است. کیفیت عبادت امام، اختیار از کف حاضـران می ربود و دل آن ها را می سوزاند. آن ها می گریستند و می ترسـیدند که ضعف و ناتوانی، که بی سابقه نبود، کار دست امام بدهد. می گوید، روزی امام باقر (ع) نزد پدر رفت و او را در نماز، به حالتی عجیب مشاهـده کرد. حالتی که کسـی را یارای رسـیدن به مرتبه آن نبود. رخسار امام (ع) از شـدت شـب زنـده داری زرد شده بود و چشـمانش از گریه بسـیار سـرخ. در اثر سـجده های طولانی، پیشانی مبارکش پینه بسـته بود و بینی ایشان زخم شده بود و ساق پاها به کلی از کار افتاده بود. امام باقر (ع)

گویند: وقتی پدرم را بدین حالت دیدم، نتوانستم تحمل کنم و گریستم. همه کسانی که درباره امام سجاد (ع) کتابی نگاشته اند و این حالات را متعرض شده اند، کمتر به تفسیری روشن و دقیق دراین باره دست زده اند. توضیح نداده اند که چرا در زندگی ائمه دیگر، عبادت را بدین صورت مشاهده نمی کنیم. البته این نویسندگان بی میل نیستند که عبادت را به گونه ای که در زندگی امام سجاد (ع) بروز یافته، دلیل برتری ایشان بدانند و کثرت تضرع و شب زنده داری آن حضرت را، گواه عظمت مرتبه و امامت به شمار آرند. بسنده کردن به این گونه تفاسیر نارس و عقیم، نشان از درک ناقصی دارد که با شأن و منزلت، و شخصیت امام (ع) سازگار نیست. عبادت را صرفا یک فضیلت و ارزش قلمداد کردن، یعنی بررسی حیات و شخصیت ائمه «علیهم السلام» به صورتی غیر دقیق و غیر شیعی و رسیدن به فهمی نادرست و غیر واقعی. اما معرفت شیعی که مبتنی بر اصول اعتقادی ماست، مجال گسترده تری را برای بررسی نقش ائمه «علیهم السلام» و پی گیری هدف های مشترک ایشان و بحث در وسایلی که برای رسیدن به این اهداف به کار گرفته اند، پیش روی ما می گذارد. این که چنین پدیده ای را بدین کیفیت در طول حیات ائمه پیش و بعد از امام سجاد (ع) نمی بینیم، ما را به این نتیجه می رساند که عبادت آن گونه امام، حرکتی اصولی و وسیله ای کارآمد بود، تا در پرتو آن، اهداف بزرگی را که بر عهده داشت، تحقق ببخشد. نه امام حسن (ع) و نه امام صادق (ع) هیچ کدام، آن گونه که امام سجاد (ع) به عبادت

می پرداخت، نپرداختند، و حال آنکه همه امامان «علیهم السلام» در رتبه و شان، برابر و یکسان بوده اند. کدام اوضاع و احوال، امام سجاد (ع) را به اتخاذ چنین رویه ای مجبور می ساخت و اهدافی که این رویه متضمن تحقق بخشیدن بدان ها بود، کدام است؟ برای این که خواننده بتواند ما را در فهم هر چه بهتر این پدیده همراهی کند و از ابعاد و مفاهیم و مضامینی که در آن پدیده هست، آگاهی یابد، ناچاریم که آن را از دیدگاه های مختلف بررسی کنیم و به همان نظرگاه معمول و واحد اکتفا نکنیم، زیرا به درک ناقص و نااستوار ما از جای گاه حقیقی پدیده عبادت در حیات طیبه امام سجاد (ع) خواهد انجامید.

بررسی حالت تعبد همگام با مظاهر انسانی دیگر

تعبد، تنها جنبه قابل بررسی زندگی امام سجاد (ع) نیست. جنبه های ارزشمندی چون، آزاد کردن بردگان، بخشش و انفاق نیز در کنار تعبد وجود داشتند. در بحث از زندگی امام (ع)، باید این جنبه ها را کنار هم گذارد و از زاویه ای واحد بدان ها نگریست. این روش، ما را به لمس زیبایی تناسب بین آن ها و درک ضرورت ارتباطشان با یکدیگر می رساند و فهم دقیق جوانب قدرت و تاثیرگذاری این پدیده ها را در فربهی و تکامل شخصیت، به ما ارزانی می کند. آن وقت است که به چگونگی به کارگیری این ابزار توسط امام (ع) و شیوه جمع کردن بین آن ها، به عنوان یک صفت واحد پی خواهیم برد. در بررسی مشترک این پدیده ها، به خاطر وحدت انگیزه و هدف، نقش هر یک از این پدیده ها در تحقق بخشیدن به هدف های جزیی مختص به خود، انکارناپذیر است، اما مجموع این اهداف جزیی است که

هدف عام و گسترده امام (ع) را شکل می دهد و متبلور می سازد.

بررسی حالت تعبد از رهگذر توجه به اوضاع و احوال زمان امام

اوضـاع سیاسـی زمـان امام سـجاد (ع) مختص آن حضـرت بود و با اوضاع سیاسـی روزگار ائمه دیگر، تفاوت داشت. امام (ع) فرزند یک انقلابی بود که بر ضد حکومت اموی قیام کرده بود و در راه تصـحیح افکار انحرافی آن زمان، شـهادت را برگزیده بود. سـرزمین هـای اسـلامی، در زمـان امـام (ع)، خـاصه در دوره اول امـامت، در تب تنـد اضـطراب، هرج و مرج و ناامنی می سوخت. دولت اموی در حال نابودی و فروپاشـی بود و دولت زبیری در حال شکل گیری و سامان یافتن. البته دوره دوم امامت حضـرت (ع) بهتر از دوره اول نبود. جـامعه اسـلامی در چنگـال کابوس وحشـتناک و خفه کننـده، و ظلم فاجعه آفرینی گرفتار شـده بود که علم آن را عبـدالملک و والیان قسـی القلب او یعنی حجاج، خالد قسـری و بشـیر بن مروان بر دوش می کشـیدند. همچنین آن دوران، دوران تحولات اجتماعی بود که در پی فتوحات گسترده مسـلمانان پدیـد آمـد؛ فتوحاتی که حکام را، بی آنکه به مخاطرات کشور گشایی و آمیخته شدن مسلمین با کفار بیندیشند، به غنائم و خوشی های فتح سرگرم می کرد. در آن دوران، همچنیـن سـردمداران فکری و شخصـیت هـای دینی، پـا بـه عرصـه اجتمـاع گذاردنـد و مردم را بـه تبعیـت از خـویش فراخواندنـد؛ کاری که در دوران زنـدگی امام حسن و امام حسـین «علیهما السـلام» هیچ کسـی جرأت انجام آن را نداشت. در کنار همه این امور، اعمال تبلیغاتی امویان، ضـد اهل بیت و بنی هاشم، همچنین کوشـش حکومت در مسخ کردن چهره نورانی فرزندان رسول (ص)، کم کم به ثمر نشست و در دل

مردم رسوخ نمود. در این زمان بود که کار تحریف آغاز گشت و دستگاه اموی با خریدن فحاشان و اجیر کردن راویان دروغ گو، به نیرنگ بازی و دسیسه با مسلمانان پرداخت. همه این امور بود که دست به دست هم داد و چهره واقعی دوران حیات امام (ع) را شکل بخشید، لذا در بررسی پدیده تعبد ناچاریم اسباب، اهداف و نتایج آن را مورد توجه و دقت قرار دهیم.

بررسی پدیده تعبد، با توجه به نقش امام و عمل هر یک از ائمه در هر مرحله

نقش و عملکرد امام سجاد (ع) نشان دهنده نوعی انعطاف در سیره و عمل ائمه (ع) بود. دوره ائمه پیش از ایشان دوره جنگ سیاسی و مطالبه حکومت بود، اما دوره دوم؛ یعنی دوره امام سجاد (ع) و بعد از او، دوره رهبری فکری و جدال بر محور این موضوع بود. حیات حضرت در ابتدای این دوره، ظهور یافت و طبیعتا پدیده ها و تجلیات جدید و رفتار هم شان آن را طلب می کرد. رنگ و کیفیت این پدیده ها به فهم شیعه آن زمان، مقدار آگاهی و سطح فرهنگ آنها و نوع ارتباطشان با هم بستگی داشت، چرا که شیعه، مجموعه ای بود از تمایلات عاطفی و جمعیتی که دارای اصول و مبانی است. وظیفه ماست که به بررسی اهداف واقعی و برنامه های تبلیغی امام بپردازیم: اهدافی چون: پاسداری از احکام اسلام و تبعیت امت از آن احکام، روشنگری مسلمانان، پروردن علما و به وجود آوردن یک شخصیت نمونه و کامل. همچنین باید به مقدار عنایت مردم و شیعیان به امام «علیه السلام» برای به عهده گرفتن رهبری و ادامه رهبری، توجه داشته باشیم. در این مجال به بررسی پدیده تعبد در زندگی امام زین العابدین «علیه

السلام» می پردازیم تا به تفسیری درست و روشن از آن و انگیزه هایی که امام را به انتخاب این روش، واداشت، برسیم.

عزلت امام و حالت تعبد

معروف است که امام سجاد (ع) به دور از کارهای اجتماعی، اندیشه ای جز عبادت و روی گردانی از امور دنیا نداشته است. در این باره گفته اند: ایشان بیرون از مدینه، اتاقکی از مو برای خود ساخته بود و در آن جا به عبادت و تضرع به درگاه پروردگار می پرداخت. در بعضی از روایات علت انزوا و روی گردانی امام (ع) از فعالیت های اجتماعی، فرمان و امر الهی و خط مشی غیبی، ذکر شده است. به امام صادق (ع) نسبت داده اند که فرمود: علی بن حسین (ع) بعد از شهادت پدرش، مهر چهارم وصیت فرود آمده از جانب خدا را گشود. در آن نوشته بود: «سکوت کن و خاموش بنشین». جای آن است که بپرسیم: به کدامین علت و انگیزه، امام سجاد (ع) به انزوا روی آورد و برای چه خداوند او را به سکوت و خاموشی فرمان داد و این که در امور اجتماعی و عامه و رهبری آنها وارد نشود؟! در پاسخ به این سؤال، به دو عامل مهم برمی خوریم که امام را به گزینش چنین زندگی ای آن هم در میان مردم وادار کرد: اول: اوضاع و احوال سیاسی دوم: شفاف شدن عمل مرحله ای امام (ع) منظور از وضع سیاسی، سیاستی است که در زمان حیات امام سجاد (ع) جریان داشت و دو دوره داشت: دوره اول که با حکومت یزید آغاز شد و ستیزه جویی و سخت گیری را به نمایش گذارد. این دوره نه سال اضطراب و جنگ بین امویان و زبیری ها را

بر سر حکومت، در پی داشت و انقلاب های شیعی متعددی را در عراق شاهد بود. دوره دوم هم بعد از سیطره عبدالملک بر حکومت و ظلم و ستم او، و به کار گماردن والیان قسی القلب و خونریز بر امت مسلمان شروع شد. امام (ع) فرزند مرد انقلابی ای چون حسین (ع) بود. همین امر او را از رهبران بنی هاشم و در صف دشمنان شماره یک امویان و داعیه داران حکومت، قرار می داد. علاوه بر این، شورش های شیعی که در گوشه و کنار به وقوع می پیوست، امام را به رهبری خویش فرامی خواندند. همه این ها عرصه را بر امام (ع) تنگ می کرد و از خطرهای بسیاری که در کمین او بود، برحذر می داشت. اما شفاف شدن عملکرد مرحله ای امام (ع): انتقال از مرحله جنگ با دولت حاکم که روش ائمه پیشین بود به مرحله آتش بس و فرصت یابی برای نشر علم و تربیت شیعیان و بالابردن سطح فرهنگ آن ها و رسوخ دادن مفاهیم اندیشه امامت در ذهن و زبان ها، همه نشان از انعطاف و نرمش بسیار در شیوه عمل ائمه داشت. این انعطاف به یک شخصیت بزرگ و عمل عمیق و ریشه دار احتیاج داشت تا مرز بین آثار مرحله اول را به وجود آورد و لوازم و مقدمات فعالیت مرحله دوم را سازمان دهد. قصد امام (ع) از روی کار آوردن مرحله دوم این بود که مردم و شیعیان نوع برخورد با ائمه خود را، که بدان خو کرده بودند، کنار بگذارند و آن گونه با ایشان برخورد کنند که برخاسته از یک فهم و شعور اصولی باشد و نه عاطفی صرف. انزوای حضرت، همان عملکرد فاصل

بین دو مرحله و مرز ممیز آن بود. مرحله دوم از آن جا آغاز شـد که با روی کار آمدن روش های نو و وسایل جدید، ته مانده هـای مرحله دوم تمامی پـذیرفت و راه برای ائمه بعـدی باز و هموار گردیـد. بنابراین، می توان ادعا کرد که امام سـجاد (ع) به تدریـج، دامن خود را برچید و انزوا را به گوشه ای نهاد و بعد از به ثمر نشسـتن آن روش و تحقق یافتن هدف ها، آرام آرام به کارهای اجتماعی و فعالیت های هدفمنـد در بین صـفوف جامعه اسـلامی، روی خوش نشان داد. پس خانه ای که امام (ره) در بیرون مـدینه، برای عبـادت خود سـاخته بود، به دوره اول زنـدگی حضـرت تعلق داشت; یعنی به زمـانی که از کربلا به مـدینه مراجعت فرمود. این که امام (ع) تمام عمر خود را در آن خانه به عبادت صـرف، پرداخته باشد سخنی ناصواب است. بی شک این کار، با توجه به این که امام، هادی مردم و حجت خداونـد است، از ایشان بعیـد و با هـدف امامت ناسازگار می نمایـد. گر چه امـام (ع) از انزوای خود کـاست و تـدریجا آن را به کنـاری نهـاد، امـا هیـچ گاه با تمام وجود وارد جامعه نشـد و خود را با فعالیت های اجتماعی آشتی نداد. او مانند انسانی زاهد و عابد، به دور از مسائل و مشغولیات دنیا، زندگی کرد و وقت خود را صرف مـوعظه مردم، رسیدگی به فقرا و برآوردن نیازهـای مردم نمود. این که روش امـام سـجاد (ع) بـا دیگر ائمه (ع) سـر از تناقض درآورد، غیر ممکن است. بنابراین بین دوره اول از زندگی امام و دوره دوم فاصله ای که آن

دو دوره را در برابر هم قرار دهـد، وجود ندارد. آن اوضاع و احوال و به تبعش آن انگیزه های خاص، امام (ع) را احاطه کرد و انزوا و نپرداختن به فعـالیت هـای اجتمـاعی را پیش روی ایشان گـذارد و طبیعی است که در چنین موقعیتی، شـخص به آن چه محبوب و مرغوب اوست، روی می آورد. امـام (ع) نیز عبـادت پروردگـار و مناجات و تضـرع با او را انتخاب نمود و خود را با نماز و روزه مشغول داشت. این حالت امام (ع)، با وضع ظاهری و روحی امام کاظم (ع) و ائمه دیگری که به زندان می افتادند شبـاهت کامـل دارد. آن هـا به پاس این فرصت ناب، خـدا را شاکر بودنـد و از موقعیت فراهم آمـده، نهایت سود معنوی را می بردند.

رهبری امام و حالت تعبد

جنبه روحی مردم عابد و زاهد را به دو گونه می توان تفسیر نمود: گونه اول، رویکرد روحی صحیح و اسلامی، که مورد توجه اسـلام واولیـای الهی است. کسـی که در عبادت خود چنین سـمت و سویی دارد، نور ایمان، روح تقوا، اخلاق اسـلامی و روح جهادگری در راه خـدا، در او آشـکار و نمایان است و زنـدگی دنیایی بین خصـلت های او جـدایی نمی اندازد. این انسان، هم مجاهد است، هم زاهد و عابد. هر که با او بنشـیند خشـنود برخیزد، حال آن که میل همنشـینی هنوز در آن شخص باقی است و این همه از اثر بشـاشت یقین و ایمـان و گریه بر گناهـان و تقصـیرات، پدیـد آمـده است. اما رویکرد دوم که از آن به رویکرد روحی منحرف (صوفیانه) یاد می کنیم آن که چنین جهت گیری را برمی گزینند، در فهم اسلام و مفاهیم آن، و درک

شریعت محمـدی، به کژ راهه خواهـد رفت. او گرچه، بیشـتر به عبـادت متوجه است امـا این عبـادت در او کـارگر نیست و چه بسـیارند عابـدان و زاهـدان این چنین که زنگارهـای جـاهلیت و ارزش های آن، از قلوبشان آویخته است و از شـفافیت ایمان و طهارت روح در آن ها اثری نیست. این گروه از مـدعیان، اسـلام را در همین حـد فهمیـده انـد و آن را کافی دانسـته انـد. پس زنـدگی را رهـا کرده به عبـادت سـرگرم شـده انـد. و این همـان انحراف و صوفیـانه عبادت کردن است. جهت گیری اول «که اسلام نیزبه آن سفارش کرده» فاصل عملکرد ائمه (ع) و وجه تمایز آن ها از دیگران است. روحیه امام و عبادت او، اجتماعی و عامه است. به گونه ای که همنشـینی با امام، انس و الفت را به دنبال دارد و علاوه بر مردم که جـذب ایشان می شونـد مخالفان نیز نـوعی میـل و کشـش به آن حضـرت، احسـاس می کننـد. لب مطلب این که، زهـد و عبـادت امامـان (ع) هیـچ تـأثیر سوء و نـاگواری برای مردم به بـار نمی آورد. هر انسـان مسـلمان و با ایمان، در برخورد با صـنف اول از زاهـدان و عابـدان، و شـنیدن سخنـان ایشـان، مهرشـان را بـه دل می گیرد و بزرگشـان می دارد. چرا که این گروه، نمـونه ای صـد درصـد اسـلامی، از یقین اسـتوار و ایمـان پابرجاینـد. حتی کسـانی که از مسـلمانی و التزامـات روحی و عملی آن بویی نبرده انـد، به انسان عابـد، به این اعتبار که او شخصـیتی قدرت مند و میل و رغبتی دگرگون نسـبت به دنیای مادی دارد، احترام عمیق می گذارند و از او تجلیل می کنند. از آن جا که خداوند در ذات بشر تمایلات خیر و

گرایش به خوبی ها را به ودیعت نهاده، هر انسانی، انسان زاهـد و سالک الی الله را به دیده تکریم می نگرد و از این احترام، به حب و تقرب و رابطه تعبیر می کند و گاه، گرچه آن ارتباط را آشکار نمی سازد، ولی از رهگذر آن، با انسان متعبد، برخورد و سلوک می کند. این معنا را بیشتر ما، به تجربه دریافته ایم. اگر درباره یک انسان زاهد و عابد، مطالبی بشنویم که بوی بدگویی و ناسزا می دهد، با دیدن آن شخص و مشاهده رفتار و گفتار او، حالت روحی ما به سرعت تغییر می کند، و ما چاره ای جز دفاع از آبروی آن انسان و تکذیب شنیده های خود نخواهیم داشت. برای نمونه، از سرگذشت حضرت کاظم (ع) و زندانبان او حکایتی بشنویم. روزی که امام (ع) را به زندان بردند، زندان بانی برایشان گماشتند تا مراقب حضرت و اوضاع زندان باشد. این شخص نسبت به امام (ع) بسیار جسور بود و در آزار و اذیت، سعی بلیغ می کرد. روزها گذشت و زندان بان جز عبادت و نیک رفتاری امام (ع) چیزی مشاهده نکرد، دانست که آن چه درباره امام (ع) شنیده و نسبت های زشت و ناروایی که به ایشان داده اند، یکسره دروغ و بی اساس است. پس از کار خود کناره گرفت. این اندک ثمره ای بود که بر زهد و عبادت بی پرده امام کاظم (ع) مترتب گشت، تا برسد به نتیجه برتر و مقصود اصلی ایشان. پیش از او، امام سجاد (ع) عینا، همین روش را درباره عبادت خود، پی گرفته بود. عبادت روشمند امام (ع) با آن شکل خاص، مردم را بر آن می داشت که او را بزرگ بدارند، قدرش را بدانند

و بـا او همـدردی و هم فکری کننـد. امـام (ع) این گونه، قلب بسـیاری از مردم و شـیعیان را صاحب شـده بود. حالت تعبـد، به عنوان یک صـفت بارز در امام، نظر مردم را جلب کرده بود و در نگاه آن ها امام شخصـی بود، زاهد، روی گردان از متاع دنیا و لذات آن، که هم خود را به عبادت و تضرع صرف می کرد. در آن زمان، فرد دیگری را نمی شد سراغ گرفت که مانند امام سجـاد (ع) عمـل کنـد و سـخن بگویـد. مردم این را می دانسـتند و احترام و تکریمشـان، رنگ تقـدیس به خود می گرفت و با گـذشت روزهـا، مـاه هـا و سـال هـا، افزون هم می شـد. امـام (ع) منحصـر به فرد بود. مـدام ذکر خـدا می گفت و پیوسـته می گریست. چنـان از قیـامت بیم داشت، گویی آن را پیش روی خود می بیننـد. سـلوک عبـادی حضـرت، همواره بـا پدیـده هـای دیگری چون انفـاق، دسـتگیری از بیچارگـان، انجام اعمال نیک و دوستی با مردم، توأم بود. اهل مـدینه، به فضل و برتری امام (ع) بر دیگران معترف بودنـد و او را بر بسـیاری از اطرافیانش که گاهماننـد او عمل می کردنـد و از بزرگان بنی هاشم بودنـد، ترجیح می دادند. در روایت است که شخصـی به سـعید بن مسیب گفت: «با تقوی تر از فلانی ندیدم». سعید گفت: «آیا، تا به حال علی بن حسـین را دیـده ای؟» گفت: «نه». گفت: «کسـی را ندیـدم که از او پرهیزگارتر و عابدتر باشد» زهری، هم صدا با بزرگـان عصـر خود، گفته است: «در میـان بنی هاشم، کسـی را برتر از علی بن حسـین (ع) نیافتم.» این سـخن هم از اوست که: «کسی از اهل این

خاندان را نمی شناسم که شایسته تر از علی بن حسین (ع) باشد.» «حرب صحاف» از سعید، غلام حسن بن صالح نقل کرده است که گفت: «کسی را سراغ نداشتم که در ترس از خدا به مقام حسن بن صالح رسیده باشد، تا این که به مدینه رفتم و با علی بن حسین (ع) آشنا شدم. او آن چنان از خوف خدا و آتش دوزخ بیمناک بود که گویی جهنم را تجربه کرده و چشیده است.» خلاصه سخن این که تعبد، آنگونه که در زندگی امام (ع) چهره نمود، به بار نشست، رهبری و زعامت حضرت را پایدار ساخت و امامت و قدسی بودن او را، به همگان ثابت نمود. این مقاله، ترجمه یک فصل از این کتاب است: الامام السجاد، (محاوله لاکتشاف دور الامام الرابع فی الامه من خلال تشخیص المرحله و الاهداف و الوسائل التی کان یعتمد علیها فی قیاده المسیره الاسلامیه المظفره)، حسین باقر، شماره ۹ از سلسله «کتاب قضایا الاسلامیه معاصره» حسین باقر از شاگردان شهید صدر می باشد که درباره زندگانی امام سجاد (ع) فعالیت های فکری و قلمی بسیار جالبی کرده است.

امام سجاد و عبادت (۲)

اشاره

گفتیم که: پدیده تعبد، به عنوان یکی از مظاهر شگفت انگیز حیات امام سجاد علیه السلام، دارای کیفیت و کمیت خاصی است و برای بررسی آن، باید از دیدگاه های گوناگون مورد توجه قرار گیرد. فهم دقیق، ولی غیر متعارف عبادت امام در گرو چند عامل است: ۱- بررسی حالت تعبد، همگام با مظاهر و پدیده های دیگر. ۲- بررسی تعبد امام از رهگذر توجه به اوضاع و احوال آن روزگار. ۳- بررسی پدیده عبادت، با توجه به نقش امام، و عمل هر

یـک از ائمه در دو دوره پیش و بعـد از امـام سـجاد. در بحث عزلت امـام و رابطه آن بـا عبادت آن حضـرت، دو عامل مهم را برشـمردیم که امام را به یک زندگی انزوا گرایانه و دور از مسائل اجتماعی سیاسی، وامی داشت. یکی از آن دو عامل، اوضاع و احوال سیاسـی بود و دیگری، شـفاف شـدن عمل مرحله ای امام. و در بررسـی پدیـده عبادت و رابطه آن با رهبری و زعامت امام. گفتیم که، زهد و تعبد، دو گونه کاملا متفاوت دارد. یک گونه آنکه مورد تأیید اسـلام نیز هست، سمت و سویی صحیح و سـالم دارد و در برگیرنـده فضائـل و برتری هـای اخلاـقی است و اما گونه دیگر که رویکردی است صوفیانه و منحرف، تنها کثرت عبادت را مـد نظر دارد و از حقیقت و روح اسـلام در آن خبری نیست. و بیان شـد زهـد و عبادت امام از گونه اول بوده است و بس. و اینک ادامه این بحث.

حکومت و تعبد امام

از جمله فوایـدی که بر تعبد و انزوای امام سـجاد (ع) مترتب بود، این بود که خیال حاکمان وقت را از جانب ایشان آسوده می گـذاشت و امام را آن گونه جلوه می داد که گویی هیـچ به فکر حکومت نیست و مشـغولیتی جز عبادت و زهـد ورزی نـدارد. عبادت ها و حالت های روحی امام، بیشتر، پیش چشم مردم، واقع می شد و البته، امام را از این کار مقصود و غرضی مورد نظر بوده است. از جمله آن که دست حکومت را از خود کوتاه بدارد و از فعالیت ها و موضع گیری های خطرناک، دوری گزیند. خاصه که ایشان، شیعه، مخالف حکومت وقت، و فرزند انقلابگر عصر،

حسین بن علی (ع) بود و این همه امام را در مرکز حساسیت قرار می داد. امام، با پیش گرفتن این روش بی خطر، حاکمان را مطمئن ساخت و آنها را به دور از خویش نگه می داشت و موفق شد بسیاری از مشکلات و گرفتاری هایی که می توانست دامن گیر ایشان شود، برطرف سازد. گفته اند: چون عبدالملک تصمیم به قتل امام سجاد گرفت، تا هر احتمال خطری را از جانب آن حضرت، عقیم بگذارد، «زهری» برپاخاست و به او گفت: «علی بن حسین، آن گونه نیست که تو فکر می کنی. او به خود مشغول است». عبدالملک شادمان گشت و دانست که امام خیال منازعه و درافتادن با او را ندارد، لذا به زهری گفت: «به! امام، چه کار خوبی می کند». روزی امام به عبدالملک، که نظاره گر عبادت ایشان بود، گفت: «اگر نبود که خانواده ام بر گردن من حق دارند، و در قبال مردم مسلمان، مسئول هستم، چشم هایم را به آسمان می دوختم و قلبم را برای همیشه متوجه خدا می ساختم، تا آن لحظه که جانم را بستاند، که او بهترین حاکم است». در این هنگام امام به گریه افتاد و عبدالملک نیز گریست. این سخن، عبدالملک را متوجه می کرد که امام کسی نیست که به گمان او، حکومت خواه باشد، بلکه جز عبادت و تهجد، اندیشه ای ندارد. این تأکید امام البته ضرورت داشت تا بسیاری از خطرهای گرداگرد او را دفع نماید و نقشه های حکومتیان را ناکام سازد. حجاج به عبدالملک می نویسد که امام را بکشد و بدین وسیله پایه های حکومت خود را محکم نماید. زبیر، جاسوسانش را به مراقبت امام می گمارد، تا مانع گرد آمدن مردم در

اطراف ایشان شوند و آن حضرت را از روی آوردن به جنگ برحذر دارند، و اگر انقلابیون کوفه (توابین و یاران مختار) خواستند با او تماس بگیرند، نگذارند. همه این امور، حکومت را پیوسته، هوشیار و ترسان می داشت. اما امام که سرد و گرم روزگار را چشیده بود و بصیرت کافی داشت، سخت گیری ها و خطرهای حکومتیان را خنثی می ساخت و ناکام می گذاشت. سفاح مسلم بن عقبه، سردسته لشکر اموی در واقعه «حره» درباره امام می گوید: «با این که فرزند رسول الله است، جز خیر و خوبی، هیچ از او صادر نشود». البته منظور سفاح از «خیر» این است که امام با حکومت کاری ندارد و در پی آن نیست که خطر و آشوبی برای دستگاه حکومتی دست و پا کند. این سخن که از شخصی چون سفاح بروز می کند، بهترین دلیل است بر این که امام، در تحقق هدف خود، که همان مطمئن ساختن حکومت اموی بود، موفق بوده است.

تفرقه و تلاش امت، و مسئله تعبد

وقتی که دین اسلام بر طهارت مظاهر حکومت و تقوای حاکمان و التزام آن ها بر امور دین و دنیای مردم، تکیه می کند، نشان از تأثیر به سزای این عوامل در بدنه جامعه اسلامی، می دهد، چرا که انحراف و کجروی حکومت، تدریجا به از هم پاشیدگی اجتماع و شایع شدن محارم خواهد انجامید. آن جا که حکومت به دست حاکمان بی قید و لاابالی سپرده شود، بذر معصیت آرام آرام رشد کرده، مظاهر جرم و تباهی در اجتماع اسلامی آشکار می گردد و به دلیل ناتوانی حاکمان از ضبط و ربط امور و حفظ تقید جامعه به شئون دینی، گسترش می یابد; چه رسد به جایی که خود

حاکمان قدرت تشخیص موارد حرام و قدرت جلوگیری از رشد آن را نداشته باشند. دورانی که بنی امیه حکومت را به چنگ آورد و والیان فاسق آن، امور جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، و تا توانستند در پستی ها و انحرافات فرو رفتند و بی حیایی و گستاخی را مباح کردند، و اموال مردم را به پای لهو و لعب خویش، قربانی نمودند، حال و روز جامعه به جایی رسید که آثار تلاش و انهدام، تضعیف روابط و مناسبات دینی و تعهدات روحی، نمایان گردید و فساد و فراوانی مجالس باطل و حرام، همه گیر و همه جایی شد. آثار تخریبی به جا مانده از فتوحات مسلمین، یعنی درآمیختن با جامعه کفر و برخورد با اموال و ثروت های انباشته، که البته به چنگ حکام و رجال حکومتی می افتاد، باعث به وجود آمدن طبقه ای ممتاز و اسراف کار شد که آثار غیرقابل انکاری در شیوع اسراف کاری و گسترش فساد داشت. این روند تخریبی تا آن جا پیش رفت که جامعه اسلامی، در زمان امام سجاد (ع)، به خصوص در مکه و مدینه، دچار فروپاشی، و ضعف و رخوت مسلمانی مردم و روحیه آن ها گردید. جان های مردم، لانه پستی ها و فسادهای اخلاقی بود و ارزش های اسلامی دست خوش تحول و دگرگونی می شد. و این همه، دو علت اساسی بیش نداشت: ۱. انحراف حکومت و زیاده خواهی طبقه حاکم ۲. آثار تخریبی فتوحات حکومت در این وضعیت ناگوار، چاره ای جز عملیات بازدارنده و درمان گر، که جامعه مریض آن وقت را رو به بهبودی ببرد، وجود نداشت. ضرورت وجود یک جریان مانع، که در برابر همه گیر شدن این «وبا» در میان فرزندان جامعه

اسلامی، بایستد، به شدت احساس می شد. پس حیات روحی امام و روش عبادی آن حضرت، و زهد نسبت به دنیا و فریبندگی های آن، چیزی بود که برای پایداری و مانع تراشی در مقابل همه گیر شدن زشتی ها و فسادهای اخلاقی که جامعه را رو به متلاشی و نابودی می برد، پیش بینی شده بود. قصد امام از آن همه عبادت که با کیفیتی خاص انجام می شد، این بود که جامعه اسلامی را به روی کردی عکس جریان مادی گری بی قید و بند، وا دارد و سطح معنویت و مصونیت فرزندان آن جامعه را بالا ببرد و نمونه ای کامل و اسوه ای بی نظیر را پیش روی آن ها بگذارد، تا نه تنها اصحاب و شیعیان، بلکه تمام مسلمین از آن خط بگیرند و به دنبال آن حرکت کنند. جهت گیری روحی امام، به مثابه طبیبی حاذق، در میان جامعه اسلامی، نقش بسیار مهم و ارزنده خود را به اجرا می گذاشت. هرگاه که مریضی عمق پیدا می کرد و گسترش می یافت، نصیحت های مهربانانه طبیب بود که درد و رنج را می کاست و نجات بعضی جان های بیمار را در پی داشت. همان گونه که وجود یک عالم روشن فکر، سطح علمی و فرهنگی مردم را ارتقا می دهد و هرچه بر عمر او افزوده گردد، فواید بیشتری به دیگران خواهد رساند. همین گونه بود، آثاری که عبادت امام سجاد (ع) در جامعه اسلامی و زندگی مردم بر جای می گذارد. به خصوص که مردم، پیوسته بروز آن حالات روحانی را که با اخلاص و ایمان و اخلاق همراه بود، طی ربع قرن، یا بیشتر مشاهده می کردند.

تربیت و مظاهر تعبد

بشریت در راه رسیدن به خدا، نمونه ها و اسوه هایی را می طلبد که

نشان دهنده صورت علمی حیات دینی و حالات ربانی، باشند. تربیت، نتیجه مطلوب خود را نخواهد داد، اگر نظریه ها به عمل تبدیل نشوند و افکار و مفاهیم، در زندگی مربیان، صورت تحقق نپذیرد. حیات ائمه بزرگوار ما، نمونه ای مثال زدنی در تربیت و تزکیه است. نمونه ای که گروه های مختلف انسانی، می توانند دنباله رو آثار آن باشند و به روش آن عمل نمایند. زندگی ائمه به خود ایشان پایان نمی پذیرد، بلکه حیات مردم زمانه آن ها را نیز متأثر می سازد. بالاتر، حیات ایشان، درسی است برای همه مردم در همه زمان ها. حیات ائمه، اسلام مجسم و نوری است که ظلمات زندگی بشر را به نور تبدیل می نماید. امامان ما، نمونه ها و الگوهایی عالی به فرهنگ اسلامی، پیش کش نمودند. و مؤمنان و پیشوایان، در طی سلوک الهی خویش، بدان نیازمند و به یاری آن نمونه ها، در فهم طریق و التزام به آن محتاجند. همان گونه که انقلاب امام حسین (ع)، تنها یک نهضت ضد یزیدی نبود، بلکه یک درس و پیام روشن و یک رسالت ماندگار تاریخی برای امت مسلمان، در طول مدت حیات آن بود؛ تعبد امام زین العابدین (ع) نیز، در حقیقت، یک نظریه تاریخی ماندگار برای جامعه اسلامی بود. یک الگوی دینی و نمونه اسلامی بود که مؤمنان خود را در مسیر آموختن از آن قرار می دادند و آثار آن را دنبال می کردند. امام حسین (ع) نظریه انقلاب بر علیه ظلم و فساد را بنیان نهاد و امام سجاد (ع) نظریه عمل عبادی، در برابر انحرافات اخلاقی را. و این گونه بود که روح عبادت او، در دل های مردم رسوخ پیدا می کرد و آنان را متأثر

می ساخت. بسیاری از اهالی تصوف، عبادت و زهد حضرت را الگوی خود قرار دادند و براساس آن به عمل پرداختند. پس سکوت امام علی، صلح امام حسن، انقلاب امام حسین و عبادت امام سجاد «علیهم السلام» همه، درس های عملی برای تربیت مردم مسلمان، در ادوار گوناگون زمان، بود. بنابراین باید گفت، قصد امام، از آن همه عبادت، این بود که نمونه و الگویی دینی و مثال زدنی، در رویکرد روحانی و تربیت ایمانی، به جامعه اسلامی تقدیم کند. پس امام ناچار بود، عبادت خود را در برابر چشم مردم و پیش روی آنها انجام دهد تا اثرگذار باشد و درس آموز. شاید بتوان بدین وسیله انگیزه امام را در جلوه دادن عبادت ها و راز و نیازهای خود، درک کرد و علت یابی نمود. عبادت امام، به خود او خلاصه نمی شد. عبادت امام درسی تربیتی، روحی و اخلاقی بود. فرصتی که امام در برابر خود می دید، بسیار قیمتی و غنیمت بود و بعید بود از او که آن فرصت طلایی را از دست بنهد و از آن بهره لازم را نبرد. در بعضی روایات، شرح عبادت های امام آمده است و این که آن حضرت چگونه تجربه های عبادتی خود را علنی و پیش چشم مردم انجام می داد، امام باقر (ع) در توصیف عبادت پدر بزرگوار خود می گوید: «هرگاه نعمتی از نعمتهای الهی را به یاد می آورد، سجده می کرد. با شنیدن آیات سجده دار، هر کجا که بود، به سجده می افتاد. اگر بلا و شری از او برداشته می شد، به شکرانه آن، فورا سجده می کرد. هرگاه از نمازهای واجب فارغ می گشت به سجده می رفت، هرگاه بین دو شخص را اصلاح می کرد،

سجده را فراموش نمی نمود.» این اعمال به گونه ای نبود که مردم از آن بی خبر بمانند. بلکه می دیدند و می آموختند. مردم، صدای قرآن خواندن امام را بسیار می شنیدند. گفته اند که: «امام، قرآن را از همه زیباتر می خواند. سقاها، وقتی به کنار خانه امام می رسیدند، با شنیدن صدای قرائت قرآن، می ایستادند و گوش می سپردند.» در بسیاری از روایات این معنا ذکر شده که: هرگاه امام همراه با جمعیتی از مردم به سوی مکه به راه می افتاد، در بعضی از منازل میان راه، می ایستاد، به سجده می افتاد و در سجده تسبیح می گفت و بسیار دعا می خواند و گریه می کرد. و مردم با مشاهده این کارها، به معارفی دست می یافتند که بصیرت و آگاهی شان را نورانی و خدایی می ساخت. بسیاری از آن چه درباره عبادت امام گفته شد، در ملا انجام می یافت. مردم که کوشش امام را در عبادت و ناله و زاری، مشاهده می کردند، به گریه می افتادند و بر ایشان دل می سوزاندند. یک روز شخصی از امام پرسید: «ای فرزند رسول خدا! این بی تابی و گریه های پی درپی برای چیست؟ ما که گناه کار و جنایت پیشه هستیم، نمی توانیم مثل شما عمل کنیم. پدر شما حسین و مادرتان فاطمه است و جدی چون رسول خدا داری» این اعتراف صریح، از جمله فواید تربیتی عبادت امام بود، که جز با جلوه دادن آن به دست نمی آمد. دعاهای امام سجاد، بلند مرتبه ترین معارف الهی و ارزشمندترین مفاهیم دینی را پیش روی خوانندگان قرار می دهد. امام از رهگذر این دعاها شیوه سلوک فردی و اجتماعی، طرز دعاکردن و روش اندیشیدن را آموزش می دهد; هم چنین، مسائل اعتقادی صحیح و

بایدها و نبایدها را توضیح می دهد و به ما می گوید که چرا باید دعا کنیم، چگونه باید دعا کنیم و دعاها چگونه مستجاب می شوند و در صورت اجابت نشدن دعا، چه باید بکنیم. دعاهای حضـرت اصول دین را یاد می دهد و مسائل مختلف حیاتی برای بشـر را یادآور می شود و دیدگاه صـحیح اسـلامی را بیان می کند. هر وقت که به زمزمه دعاهای زین العابدین می نشـینیم، در آن واحـد، هم دعـا می خوانیم و هم چیزها می آموزیم. کافی است که اشتیاق امام را به این درس ها و تبلیغ آن ها به دیگران، درک کنیم. امام، صحیفه را نزد اولاد خود به امانت می گذارد و آن ها نیز در حفظ صحیفه نهایت کوشش خود را به کار می بندند. بعد از بیان همه این مطالب، دو اشـکال اساسـی و عمده را باید طرح کنیم و بدان ها پاسخ بگوییم. اشـکال اول سخن ما این است که عبادت امام سـجاد (ع)، با آن کمیت زیاد، نمونه ای بزرگ بلکه بزرگ ترین الگویی است که ائمه ما برای انسان های عابـد و زاهـد، به ثبت رسانـده اند. دیگر این که: رویکرد معنوی امام و توجه خاص ایشان به دعا، راز و نیاز و تعبد طاقت فرسـا، عکس العملی است در قبـال اوضـاع و احـوال اجتمـاعی آن دوران، که امـام را به انزوا و کنـاره گیری از امور دنیـایی و اجتماعی مجبور می ساخت. و این امر، سبب مباشر برای پدید آمدن تعبد بود، که حیات امام را از زندگی دیگر امامان، متمایز می سـاخت. اگر چنین است که گفتیم، پس آن چه از خود امـام به مـا رسـیده، که دربـاره عبـادت امیرالمومنین (ع) سـخن می گوید، چه توجیهی دارد. امام اعتراف کرده

که عبادت او به پایه عبادت علی بن ابی طالب نمی رسد و تنها به اندکی از عبادت آن حضرت توانایی و قدرت دارد. ظاهرا این سخنان خلاف چیزی است که ما بر آن اصرار داریم و با تعبیری که از تعبد ارائه نمودیم همخوانی ندارد. برای یافتن پاسخی دقیق و قانع کننده، ناگزیر از توضیح دو مطلب مهم هستیم: اول: اصطلاح عبادت، به دو معنا آمده است: اول معنای خاص که همان نماز و روزه و حج و... و اموری مانند دعا، گریه و شب زنده داری است. دوم، معنای عام که عبارت است از همه کارهای خوب و مورد پسند شارع مقدس که شرط قبول آن ها قصد قربت است. مانند صدقه دادن به فقیران همراه با قصد قربت. یا آشتی دادن دو نفر و حکم کردن بین مردم به قصد قربت. حتی آب خوردن به قصد قربت نیز داخل در معنای عام عبادت است. دوم: در بررسی تاریخ شیعه، کسانی را می بینیم که به جرم شیعه بودن و پیروی از علی بن ابی طالب، مورد تعقیب بوده اند و مدام عذاب دیده اند و شکنجه شده اند. آن هم به دست بدترین و پست ترین دشمنان اسلام، یعنی امویان. حاکمان اموی، با اجیرکردن راویان دغل و نیرنگ باز، و جعل احادیث دروغین، برای خلفا و صحابه شان و مرتبه جعل می کردند و قصدشان از این کار، کم رنگ جلوه دادن فضایل اهل بیت، به خصوص علی (ع) بود، و در صورت توانایی، محو و نابود کردن آن فضایل. دسیسه ها و نیرنگ بازی های حکام اموی و روش حکومتی آن ها، همه انگیزه ای بود برای مسخ فضایل و مناقب امام علی (ع)

و از میان برداشتن شأن و منزلت ایشان «جابر جعفی» به امام سجاد (ع)، شکایت می کند که بنی امیه و پیروان آن ها، شیعیان را می کشند و مولایشان علی را دشنام می دهند و بر بالای منبرها و در بازارها و میان راه ها و حتی در مسجد رسول خدا (ص)، بر علی لعن می فرستند و کسی آن ها را منع نمی کند. و اگر کسی به قصد بازداشتن مردم، چیزی بگوید، او را دستگیر می کنند و به او «رافضی» و «ترابی» خطاب می کنند، و بعد او را نزد امیر خود می برند. در مقابله با این اعمال خشونت آمیز و اهانت بار، روش ائمه (ع) برعکس است. آن ها، قدسی بودن شخصیت علی (ع) و فضایل و برتری های او را، بیان می کردند و بر آن اصرار داشتند. و بدین وسیله الگویی بی مانند و عنوانی چشم گیر را پیش روی مردم قرار می دادند تا به اهل بیت توجه کنند و به آن ها گرایش یابند. حال، بعد از توضیح این دو امر، می توان اشکال مطرح شده را اینگونه پاسخ گفت که: اگر امام سجاد، عبادت علی بن ابی طالب (ع) را آن گونه بزرگ می شمارد و عبادت خود را در برابر آن ذره ای بیش نمی بیند، معنای عام عبادت را در نظر دارد. منظور امام آن است که: امام علی به کارهایی پرداخت و اموری را سامان داد، که من هنوز به آن ها نپرداخته ام. او حکومت و زمامداری مردم را بر عهده گرفت; در میان مردم قضاوت می کرد و به کارهای اجتماعی و عمومی سرگرم بود و این ها اموری است که نزد خداوند بیشترین ثواب را نسبت به روزه و نماز، خمس... دارد. آن چه این معنی را

تاکید می کند، روایتی است از امام باقر (ع) که در گفتگو با اصحاب و یاران خود، از عظمت پدرش یاد می کند و سعی بلیغ او را در عبادت خدا یادآور می شود، و در عین حال، از برتری امام علی سخن می گوید و به این روش حکیمانه، درس مهمی را به یاران خود می آموزد. شاید این عمل ائمه، که برترین فضایل را به حضرت علی (ع)، نسبت می دادند، کاری بوده است در جهت حفظ تاریخ از دسیسه های بدکاران و بیمه کردن آن در برابر دشمنی و کینه دشمنان و معاندان خاندان اهل بیت. اشکال دوم پیش از این دانستیم که عبادت امام، امری هدف دار بوده است و دانستیم که آن حضرت بعضی تجربه های عبادتی خود را، در برابر مردم انجام می داده و ایشان را به انصراف خود از دنیا و مشغول بودن به امور معنوی توجه می داده است و بدین وسیله هم اسباب اطمینان حکومتیان را فراهم می آورده و هم با تعلیم مردم، الگویی مناسب و بی نظیر را پیش چشم آن ها قرار می داده است. سؤال این جاست که: آیا عبادت امام، صفتی عارضی برای ایشان بود و آن چه انجام می داد فقط در جهت رسیدن به اهدافی بود که ذکر کردیم؟ آیا عبادت امام از جنبه اسلامی و بعد روحی خالی و تهی بود؟! و آیا سزاوار است که عبادت های عمیق و معرفت آموز امام را این چنین سطحی تفسیر کنیم و پدیده ای بدین شگفتی را فقط وسیله ای برای محقق کردن اهدافی چند بدانیم؟! جواب این اشکال با توضیح چند امر، آشکار می گردد: اولا: پیش از این گفته شد که سبب مباشر پدیده تعبد، که در زندگی

امام سجاد مجال بروز یافت، ظرف زمانی خاصی بود که امام را احاطه کرده بود. آری، همان گونه که روزگاری، امام حسن (ع)، بنا به مقتضای زمان، مجبور به صلح گردید و امام حسین (ع) چاره ای جز انقلاب و براندازی حکومت وقت، نداشت، امام سجاد (ع) نیز ناگزیر به انزوا پناه برد و به عبادت پروردگار خویش مشغول گردید. ثانیا: در صورتی که امام می توانست با تمسک به انزوا و یاری جستن از پدیده تعبد، اهداف معینی را در جهت مصالح عامه مسلمین، تحقق بخشد، از دست دادن این فرصت شایسته امام نبود، چون او مقامی الهی داشت و امام و هادی مردم بود و می بایست آن ها را تعلیم می داد و ارشاد می نمود. ثالثا: برای انسانی که به کاری عادت کرده، مثلاـ به عبادت، جمع کردن بین عبادت خالص برای پروردگار، و توجه کردن به تأثیرگذاری این عبادت در مردم، بسیار سخت و مشکل است، زیرا در این صورت، خلوص نیت که شرط اساسی است، به آسانی تحصیل نمی شود. اما آن کسی که ایمانی عمیق و مخلصانه دارد، قادر است بی آن که شائبه ای از شرک و ریا در عبادتش پدید آید، با عبادت خود مردم را تعلیم دهد. از این رو است که عبادت امام سجاد، مانند ندارد و زین العابدین، صفت مختص به اوست. پس می توان تصور نمود که عبادت امام هم خالص برای خدا بود و هم وسیله ای برای تعلیم و ارشاد مردم و توجه دادن آن ها به امور معنوی خدایی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹